

سبک‌شناسی



۱

با این کتاب بود که ملک الشعرای بهار برای نخستین بار بحث انتقادی و علمی سبک‌شناسی را مطرح کرد. این بحث در ذیل تاریخ‌تطور و تحول نثر فارسی به میان آمد. تاکنون تحقیق و بررسی استادان و صاحب‌نظران با تکیه بر دستاوردهای بهار افق‌هایی تازه در این فن پدید آورده است. سبک‌شناسی یا تاریخ‌تطور نثر فارسی نام مجموعه کتابی است که بهار آن را در سه جلد تدوین کرد.

قصاید بهار



۲

ملک الشعرا بهار قصیده‌های متعددی به سبک شاعران قدیم سروده و در تعدادی از قصیده‌هایش به وزن‌ها و مضمون تازه نیز بذل توجهی کرده است. از میان این‌گونه قصیده‌های سروده بهار، در این کتاب ۷۷ قصیده گلچین شده‌اند، که در همگی آنها روح مبارزه اجتماعی، انسان‌دوستی، خدمت به میهن و به بشریت، عشق به طبیعت، مقاومت، شکیبایی و بی‌زاری از نادرستی و فرومایگی موج می‌زند...

تاریخچه سه‌سال و نیمه ما و جنگ



۳

این کتاب حاصل یک جدال قلمی بین سیدضیاءالدین طباطبایی نگارنده روزنامه رعد و ملک‌الشعرا بهار است. مجموعه مقالاتی که بهار در پاسخ به انتقادات سیدضیا از عملکرد حزب دموکرات ایران در مراحل نخست جنگ جهانی اول در روزنامه نوبهار منتشر کرد. متن کامل این مقالات به انضمام آن بخش از مقالات سیدضیا که به این تبادل آرا میدان داد در این مجموعه آمده است...

# مردی برای تمام فصول

ملک الشعرای بهار با «دماوندیه» و «مرغ سحر» در حافظه ایرانیان ماندگار است

تجاوزهای روسیه و بریتانیا، رشوه‌خواری و سرسپردگی سران مملکت، عقاید خرافی و عقب‌افتادگی علمی و فکری جامعه، او را در همان زمان قاجار به آدمی سرشناس تبدیل کرد. بهار طلبگی نیز خوانده بود و تتبعاتش در متون اسلامی و صوفیه نیز باعث می‌شد تا در کل‌کل‌هایش با دین‌فروشان تقلبی بتواند از پس خود بریاد و یک عقیده دینی سالم را در نوشته‌هایش تبلیغ کند. غالب مدح‌های او از ائمه دین با تأکید بر وجه‌های عدالت‌دوستی و حق‌طلبی ایشان است.

مخالفت بهار رضاخان نیز او را مشهورتر از پیش کرد؛ چراکه منجر به ترور نافرجام او شد. بهار در پهلوی اول طعم حبس و تبعید را بارها کشید و در محبوبیت سیاسی او بیش از پیش تأثیر گذارد. با تاسیس

ادبی معروف مانند «نوبهار» و «دانشکده»، تصنیف‌سرای معروف، یک چهره مشهور در تصحیح آثار ادبی و جزو نخستین پژوهشگران آکادمیک ادبیات و تاریخ. دایره‌المعارفی مانند ملک‌الشعرا بهار آن قدر گستردگی دستاورد دارد که آدم‌های طراز اول همزمان با بعد خود اقرار می‌کنند که او شاخص زمانه خودش است. تغییرات او در فرم شعر کلاسیک - به‌ویژه ساحت زبانی - و تغییر محتوای قصیده و مسمط به نفع مسائل روز اجتماعی و سیاسی و پیوند عمیق فکری شعرش با تجدد و آزادی و هویت ملی (اعم از ایران باستان، شاهنامه یا ادبیات بعد اسلام) او را جزو مهم‌ترین شاعران تاریخ ادبیات فارسی کرد.

مخالفت بهار با استبداد محمدعلی‌شاه،



دانشگاه تهران، بهار به‌عنوان افضل اساتید شناخته می‌شد و تأثیر عمیق فکری او مانند شاهنامه و ادبیات ایران باستان بر دانشجویان نسل اول مشهود است (دکتر معین، خانلری، صفا و...). قصاید معروف او (جغد جنگ، دماوندیه و...)، تصانیفش (به‌اصفهان رو، مرغ سحر و...) و قطعات ادبی (من‌نگویم که مرا از قفس آزاد کنید، برو کار می‌کن مگو چیست کار و...) زبانزد زمانه خود و بعد آن بود و خواهد بود. متون تاریخی و ادبی‌ای که بهار تصحیح کرده (تاریخ بلعیمی، مجمل‌التواریخ، تاریخ سیستان و...) همگی نشان از تسلط او بر تاریخ زبان فارسی و روش مندی تصحیح انتقادی می‌دهد. حدس‌های بهار برای قسمت‌های مغشوش‌نشده خطی که بعد از وفات او، نسخه‌های بهتری یافت شد، این مدعا را بیشتر اثبات می‌کند. او همچنین مؤلف «سبک‌شناسی» معروف نیز هست و جزو نخستین عالمانش شناخته می‌شود. او سبک‌شناسی (یا همان «تاریخ‌تطور نثر فارسی») را برای دانشجویان دوره دکتری ادبیات فارسی طی مدت‌های پراکنده جمع و مدون ساخت (در سه جلد). تسلط او بر خط و زبان‌های ایران باستان، به تحقیقات او غنای بیشتری بخشیده و این را در جلد نخست

نوید خسروانی پژوهشگر زبان فارسی

ملک‌الشعرا بهار یکی از مفاخر فرهنگی ایران زمین است که از نمایندگی مجلس و وزارت فرهنگ تا شعر و شاعری و روزنامه‌نگاری نامش زبانه‌زد عام و خاص است. از صادق هدایت و بزرگ علوی تا عبدالحسین زرین‌کوب و محمدرضا شفیعی‌کدکنی در ستایش او سخن گفته‌اند و او را یکی از بزرگ‌ترین شاعران چندصدساله اخیر برشمردند. هفتاد سال پس از درگذشت او، هنوز نام و آثار او، بر سپیده‌دم تاریخ و ادبیات ایران زمین می‌درخشد. از بازخوانی تصنیف «مرغ سحر» که تاریخ زنده این سرزمین است تا قصیده‌ای چون «دماوندیه» که نماد ایستادگی ایران است. از همین رو است که می‌توان او را شاعر آزادی نامید، شاعری که در همین راه نیز بخشی از عمر خود را در زندان سپری کرد.

مشهور است که تشییع پیکر ملک‌الشعرا بهار در نخستین روزهای اردیبهشت ۱۳۳۰ بسیار شلوغ بوده و از دروازه دولت تا ظهیرالدوله او را تشییع کرده‌اند. درگذشت بهار چندین روز بعد از خبر خودکشی صادق هدایت در فرانسه اتفاق افتاد، در روزهای پرتلهاب ملی شدن نفت و نخست‌وزیری دکتر مصدق. بهار که از نظر سیاسی در جناح قوام‌السلطنه بوده و در دولت او، به‌مدت کوتاهی وزیر فرهنگ هم می‌شود، حضور پررنگی در محافل و جراید ندارد، ولی خبر درگذشت او بازتاب فراوانی دارد و این محبوبیت تنها از سیاست نبود.

بهار از سنین نوجوانی همراه مشروطه‌خواه‌ها می‌شود و قصاید انقلابی و متن‌های انتقادی فراوانی را منتشر می‌کند. از منصب ملک‌الشعرا بهار آستان قدس چشم می‌پوشد و زندان‌های قاجاری و پهلوی را به‌جان می‌خرد. جزو نخستین استادان دانشگاه تهران است، رئیس نخستین کنگره نویسندگان، مدیر چندین نشریه